

کارگران
سراسر جهان
متحد شوید!

راه سرخ

زنده باد سوسیالیسم!

ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ویژه نامه حماسه سیاهکل // بهمن ماه ۱۳۹۹

آزادی

مسکن

کار

- حماسه سیاهکل جلوه ای با شکوه از عشق و ایثار
- سیاهکل . حماسه سرخ جاودان
- راز ماندگاری حماسه سیاهکل
- تاریخچه مختصر سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



گرامی باد پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل!

وقتی که ابر خسته می زارید
وقتی که باران روی شهر مرده
می بارید
در قلب میدان بزرگی ایستادم من
تا بید مجنونی شوم
افشان
میان شهر
سعید سلطانپور



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

حماسه سیاهکل جلوه ای با شکوه از عشق و ایثار

پیام به مراسم گرامیداشت پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل

در پنجاهمین سالروز حماسه سیاهکل و بنیانگذاری سازمان چریک های فدایی خلق ایران گرمترین و انقلابی ترین درودهایمان را نثار شما رفقای شرکت کننده در مراسم بزرگداشت این روز تاریخی می کنیم.

رفقای گرانقدر فدایی اینک در آستانه پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل، به عنوان فعالین "سازمان اتحاد فداییان کمونیست" در داخل کشور، برایمان بسی مایه غرور و مباهات است که "فدایی" بار دیگر با تحلیل درست از شرایط مبتلا به جامعه با حس مسئولیت پذیری بالا به انجام رسالت واقعی خود همت گمارده، رسالتی که رفقای دلیر ما با درایت و هوشمندی بسیار پنجاه سال پیش با نثار خون پاکشان رقم زدند و پرچمی را برافراشتند که هیچگاه بر زمین نخواهد افتاد. آموزه ای که این رفقا آفریدند تا همیشه زنده و ماندگار است، هر چند به کرات بیان شده ولیکن همواره باید با صدایی رسا بیان کرد که رفقای ما با اندک امکانات و کمترین نفرت با اجرای یک عملیات کوچک نظامی، چنان کردند که تا به امروز، خشم و کین بورژوازی و جیره خوارانش را به همراه داشته، به یکباره حماسه سیاهکل نقطه آغازین فروریختن

هیمنه و اقتدار پوشالی رژیم پهلوی شد، هیمنه ای که با هزینه های گزاف و سرکوب گسترده کسب کرده بود و فدایی شد خار چشم بورژوازی که هیچگاه از آن خلاصی ندارد، و مهمتر اینکه حماسه سیاهکل حیاتی دوباره به جنبش کمونیستی ایران دمید، جنبشی که با فرار عده ای از رهبران حزب توده و خیانت و همکاری بخشی دیگر، خانه نشینی و سر درلاک خود فرو بردن اکثر هواداران حزب بعد از کودتای بیست و هشت مرداد، به محاق عجیبی فرو رفته بود و عملاً وجود خارجی نداشت، رفقای ما گفتمان کمونیستی را دوباره زنده کردند و علیرغم تمام تلاشهایی که اپورتونیستهای دل در گرو بورژوازی، برای معرفی جنبش فدایی به عنوان یک حرکت کور ماجراجویانه به کار بستند، گستردگی استقبال توده ها بخصوص جوانان از مراسم یازده اردیبهشت سال ۵۸ نشان داد که فدایی پیوند تنگانگی با توده کار و زحمت دارد که هرگز گسسته نخواهد شد و همچنان فدایی مورد وثوق و احترام توده هاست، این همان رسالتی است که رفقا رقم زدند و اکنون بر دوش ما قرار دارد. اینک جامعه با حاکمیت بحران زده و به بن بست خورده، در رخوت فرو رفته، خشم و نفرت از رژیم از یک سو و یاس و ناامیدی از سوی دیگر در بین توده ها به عینه قابل مشاهده است و با وجود تعدد جریانات انقلابی کمونیست، کمترین نمود عینی از این جریانات در داخل به چشم نمیخورد که خود یکی از مهمترین عوامل دامن زدن به این سرخوردگی در بین توده هاست، آنچه به عنوان اعتراض و شورش به مانند آبان ۹۸ بروز میکند ناشی از انباشت خشم و نفرت و به تنگ آمدن توده هاست که به دلیل نبود ستادی سازمانده و رهبری کننده

با سرکوب و وحشیانه رژیم طی مدت کوتاهی خاموش میشود، ما در حد توانمان میکوشیم به طریقی با این نقیصه بزرگ مقابله کنیم ولی واقعیت چیز دیگری است، باید با تمام وجود بپذیریم که هیچ نیرویی به تنهایی قادر به هیچ کاری نیست برای پیشبرد امر انقلاب و سازماندهی و هدایت کارگران و زحمتکشان همه به هم احتیاج داریم آنهم در شرایط اسف باری که جنبش کمونیستی در حال حاضر بر عکس دهه چهل که دچار خمودگی و سکوت بود، به پر گویی و بی عملی مبتلا شده و غرق در مباحث روشنفکری و تئوری پردازی های سخیف و بی خاصیت که نه تنها هیچ گرهی از کار انقلاب باز نمیکند بلکه خود به معضلی برای اردوی کار و زحمت بدل شده و ناگفته نماند که جریانات اپورتونیست کاملاً هوشمندانه به این آشفتگی و بی پرنسیبی دامن میزنند. اکنون ایجاب میکند همه طیفهای مختلف درون جنبش فدایی، به لحاظ گفتمان قالب درون جنبش کمونیستی و نزدیکی بسیار دیدگاهها، به رسالت تاریخی خود عمل کنیم و با ایجاد نوعی وحدت در جنبش فدایی و طرح گفتمانی پر قدرت در جنبش کمونیستی، برای پایان دادن به این دوره بی عملی اقدامی جدی به عمل آوریم و ایمان داشته باشیم این گام بزرگ میتواند برای احیای دوباره جنبش کمونیستی و انسجام بخشیدن به آن بسیار موثر باشد و بالطبع میتواند تاثیر به سزایی بر ارتقاء مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه نظام سرمایه داری و حاکمیت سیاسی آن، جمهوری اسلامی، بگذارد. گرامیداشت پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل به طور مشترک توسط منفردین و فعالین طیفهای مختلف فدایی، بسیار امید بخش است مشروط بر اینکه اقدامات

مشترک تداوم داشته باشد و ارتقاء یابد و همه ما کاملاً مسئولانه و بدور از هر گونه دلبستگی های تشکیلاتی برای نزدیکتر کردن دیدگاهها بکوشیم . بر این باوریم که برخورد قاطع و بدون اغماض با اپورتونیستها و منحرفین جا خوش کرده در درون جنبش کمونیستی و پالایش آن از اولین اولویت های ما میباشد قرار گیرد. به نظر ما در این راستا رفقای خارج از کشور به لحاظ دسترسی به منابع و متون مارکسیستی و تسلط بر مباحث تئوریک و احیاناً فراغ بال بیشتر، میتوانند اقدامات موثرتری انجام دهند که خود میتواند به نزدیک تر شدن هر چه بیشتر نیروهای چپ انقلابی به یکدیگر گردد و به همراه مبارزه با جیره خواران بورژوازی ضروری است اقداماتی عملی و اجرایی برای تحقق جبهه انقلابی را در دستور قرار دهیم ، نهادی که تنها گزینه اجرایی و عملی برای شکل دهی آلترناتیوی قدرتمند در برابر رژیم است و تحقق آن ضروری ترین اقدام برای جلوگیری از بروز سال ۵۷ دیگری است . ما هیچ چیز ارزشمندی جز منافع طبقه کارگر نداریم که به آن دل ببندیم، همیشه باید به یاد داشته باشیم که ما میراث دار زنان و مردان دلیری هستیم که برای تحقق آرمانشان، برای رهایی طبقه کارگر بدون کمترین تردیدی تنها داشته خود را که جز جانشان نبود، نثار کردند و نام فدایی را ماندگار و جاودانه ساختند .

فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

...

سلام ای سازمان فردا

سلام ای سازمان عشق

سلام ای گسترش میهنی

سلام ای سازمان کارخانه

ای سازمان کشت

سلام ای سازمان " او "

که از صدای شکسته ی مردم

از قلب عاشقان سرخ عدالت

از گلبن های آتش ارانی

از نعرهای خونین تابستان

از دهان گل طغیانی شاخه ی ارتش

از دهان خون و دفاعش

از میان حماسه اوراق آتش

از میان شعله های خیابانی شهادت

و جزیرهای خون پراکنده

سر خواهی کشید

سلام ای غول آینده

سلام...

سیاهکل ، حماسه سرخ جاودان

هیوا



اینک پنجاه سال از حماسه پرشکوه سیاهکل ، آغاز قیام مسلحانه ای که به همت گروه جنگل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به دست ۱۳ تن از رفقای فدایی ما تحقق پیدا کرد، میگذرد .

موعد طلوع ۱۳ ستاره سرخ جاودان در آسمان ایران ، موعد ظهور فصلی نوین و قهر آمیز از تاریخ مبارزاتی خلق ستمکش در مبارزه با سرمایه داری و رژیم کارگزار آن دیکتاتوری پهلوی .

در توصیف این حماسه جاودان هیچ کلامی رستار از توضیحات تحلیلی رفیق «بیژن» در کتاب «چگونه مبارزه توده ای میشود» در خصوص رابطه توده ها با جنبش مسلحانه از رستاخیز سیاهکل تا چند سال پس از آن نیست :

{ هنگامی که رستاخیز سیاهکل انجام شد یعنی خبر حمله توسط یک گروه جوان انقلابی شهری به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در روزنامه ها منعکس شد احساسات مختلفی در مردم ایجاد کرد. در عناصر پیشرو و در توده ها ، انعکاس حمله به پاسگاه ، هیجانی به وجود آورد و توسط این عده شایعاتی در بین مردم به سود چریکها پراکنده شد . قدرت چریکی ابعاد افسانه ای پیدا کرد. اعدام ۱۳ نفر همداری بود به هر دو سطح مورد بحث ،

بدهد ، میخواهد در مردم توقع بیجا ایجاد نکند مبادا که موجب سرکوفتگی توقعات آنان شود . در این مورد جنبش خصلت ایدئولوژیک خود را نشان داده و از توسل به شیوه های خرده بورژوازی در جلب

حمایت مردم به هر قیمت خودداری میورزد: شهادت چریک در مردم اثر میگذارد ، اعدام دسته جمعی چریکها به تدریج مردم را به گشتارهای جمعی و

خونریزی عادت میدهد ، پیگیری چریک فداکاری و پایداری او را به توده ها اثبات میکند، شهادت چریک مانند دیگر اعمال او تاکتیکی برای ضربه زدن به دشمن و نفوذ

در مردم میشود ... و توده پیشاهنگ خود را که اول بار باور نداشت باز میشناسد . به همان میزان که هیجان روشنفکر بورژوا که ناگهان شعله ور شده بود فرو می نشیند، خلق یعنی زحمتکشان پیشاهنگ انقلابی

خود را باز میشناسد و نفوذ جنبش بر توده های زحمتکش افزایش میابد . حرکت توده با نوسانهای زیاد و ضربان آهسته آغاز میشود و روشنفکران انقلابی را به تدریج به نیروهای سازنده تاریخ نزدیک میکند اما نه

به سرعت و در مدتی کوتاه !
اعتصاب های پراکنده، تظاهرات دانشجویی و گسترش سریع فعالیت گروهها، آخرین نتایجی است که جنبش در پس از سیاهکل

عنص آگاه که به هیجان آمده بودند و توده که شوکه شده بودند . دستگاه رژیم اعلام کرد که نه فقط حمله کنندگان به پاسگاه سیاهکل بلکه رفقای آنها در شهر بازداشت و اعدام شدند .

از نظر مردم این اعدام دسته جمعی و بسیار سریع دلیل بر اهمیت مسئله بود، معلوم شد که رژیم واقعا از این حرکات هرسناک است !

شناخت علمی پدیده ای به نام شایعه نشان میدهد که شایعه فقط در جهت منافع و مصالح محیطی که در آن رشد میکند و به حیات خود ادامه داده و به سرعت ابعاد

غول آسا پیدا میکند، اگر محیط شایعه مردم، یعنی توده های متوسط شهری و زحمتکشان شهری باشد، شایعاتی هم که از روز نخست در مردم در باره جنبش چریکی

پخش شد ، نشان دهنده تمایلات و برداشت های مردم از جنبش بود : شایعه شد که تمام جنگل های شمال پر از چریک است ، شایعه شد که تلفات دولت صدها و هزارها نفر بوده، شایعه شد که پویان زنده است و در رادیو فرانسه صدایش پخش شده و

جنبش مسلحانه نمیتواند به شایعات چه در ارزیابی نیروی چریکی و چه در توجیه عملیات آن تسلیم شود ، چریک میخواهد شناختی نزدیک به واقعیت از خود به مردم

در دو سطح یاد شده یعنی در بین عناصر آگاه و توده ها به آن دست یافته است. به این ترتیب در حالی که هدف اول جنبش مسلحانه در مرحله اول اساساً تثبیت مبارزه مسلحانه در جنبش ترقی خواهان است، هدف دوم از همین طریق به دست می آید، یعنی از طریق ضربه زدن به دشمن و توضیح خط مشی خود با نزدیک شدن به توده ها و پیوند یافتن با آنها. تردیدی نیست که مبارزه در این مرحله مبارزه ایست طولانی، لکن اشتباه است اگر بخواهیم آینده را بر مبنای نتایجی که از رستاخیز سیاهکل تا به امروز (زمان نگارش متن) در زمینه جلب حمایت توده ها به دست آورده ایم محاسبه کنیم، گر چه در این مدت حرکات عمده ای از مردم به پشتیبانی جنبش مسلحانه سر

حمایت مادی مردم از ما تلقی شود بسیار دور است. شناخت دیالکتیکی از دینامیسم جنبش های توده ای نشان میدهد که شرایط عینی و ذهنی در توده ها اثر گذاشته و به تدریج روحیه انقلابی آنها را افزایش میدهد. ادامه جنبش چریکی، فداکاری و دلاوری چریک، ضرباتی که به دشمن وارد میسازد در رشد روحیه مبارزه جویانه توده اثر میگذارد. حال جامعه می آموزد که با پیگیری مبارزه را ادامه دهیم و با فداکاری و شور انقلابی که در جهت تکامل جامعه عمل میکند به روحیه تسلیم طلبی توده ای که در حالت خمودی و ناامیدی به سر میبرد، غلبه کنیم. به این ترتیب در حالی که با شکستهای مارکسیست - لنینیستی با پیگیری به راه خود ادامه میدهیم، دچار محاسبه

تمام وجوه و ابعاد جامعه ایران مسلط است و به جهت عارضه ناشی از سرکوب و اعدام های جنایتکارانه رژیم که نتیجه اش چنین شده که نسل جوان جنبش انقلابی ما نسبت به گذشته تاریخ مبارزاتی اش دچار انقطاع تجربی - تاریخی شود و همچنین به جهت محروم ماندن جوانان طبقه کارگر و روشنفکران جنبش از آموزش اصیل و ریشه دار ایدئولوژیک در چهار چوب یک جریان متشکل و منسجم انقلابی، اینک وظیفه همه ماست که در جهت هر چه بیشتر آگاهی بخشی صحیح در رابطه با تاریخ مبارزاتی جنبش به نیروها و جوانان، که هم اکنون در شرایط فعلی به سبب غلبه مشی محفل گرایی یا ترویج فرد گرایی اپورتونیستیهای راست و چپ دچار پراکندگی و نفوذ اندیشه های انحرافی ایدئالیستی فلسفی یا چپ

نویی در فضای روشنفکری کنونی شده اند و با این عمل همواره در حکم سدی بر سر راه پویایی جنبش انقلابی قرار گرفته اند، تلاش کنیم و با شناسایی و موضع گیری قاطعانه و دقیق در برابر اپوتونیستهایی که اساساً تمام تلاشان در جهت توسعه و بسط گرایشات خرده بورژوایی در شاکله چپ

نمایی، در بین جوانان میباشد و نیز با ارائه چشم اندازهای نوین در جهت جبران کمبودهایی که در طول سالهای اتر گذشته به دلیل فقدان یک جریان مارکسیستی متشکل در داخل ایجاد گشته، بتوانیم نهایتاً با اصلاح بنیادین اشتباهات و تکامل بخشیدن به تئوریهای منطبق با جامعه و ناکتیکها، به وظیفه اساسی خود در قبال جنبش و فراهم نمودن بستر انقلاب سوسیالیستی، عمل کنیم.

هیوا

«دشمن برای رفتار خود معیارهای کاملاً مشخصی دارد. او میگوید: "با من کنار بیایید تا باقی بمانید. سلطه من را بپذیرید تا از یورش مرگبار من در امان باشید". هر کانون فعالیت که به این تسلیم بلاشرط کردن نگذارد - حوزه عملش هر چه می خواهد باشد - یک کانون خطر محسوب می شود. و اگر نتواند بقای خود را بر دشمن تحمیل کند کاری جز این ندارد که در انتظار حمله نابود کننده بنشیند. هیچ چیز برای دشمن خوشحال کننده تر از این نیست که ما قربانی بی آزاری باشیم. به هر کسی که در سنگر مانده است شلیک می کند. یا باید به هر ضربه با ضربه ای پاسخ داد یا از سنگر بیرون آمد و پرچم برافراشت. هیچ مرگی بیش از در سنگر ماندن و شلیک نکردن زودرس نیست.»

«ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تنوری بقا» امیر پرویز پویان

مکانیکی در باره طول مدت لازم برای رسیدن به حمایت مادی اکثر توده ها از جنبش نخواهیم شد. گویا رفیق شرایط حال حاضر جامعه و وظایف ما را توصیف میکند. با آنچه گفته شد در میابیم اکنون چه وظیفه سنگینی بر دوش داریم. هم اینک در راستای احیای آرمان سرخ فدایی مان، با امعان نظر به عنصر زمان و تحلیل مشخص از شرایط مشخص، در شرایط کنونی که اختناق در

زده است ولی به طوری که نشان دادیم درگیری مسلحانه چریک با رژیم در مردم اثر گذاشته و زمینه مساعدی به بار آورده است، در این مدت چند اعتصاب کارگری که در طی سالهای گذشته اصلاً سابقه نداشته و اعتراضهای دانشجویی چشمگیری داشته ایم، همچنین جنبش مسلحانه به مردم شناسانده شد و در احساسات موافق مردم نسبت به چریکها تردیدی وجود ندارد، ولی این حرکات هنوز از این که به مثابه

راز ماندگاری حماسه سیاهکل

مسعود

براستی در حرکت شجاعانه رفیقانمان در روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و حمله به پاسگاه سیاهکل و تولد "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران"، چه چیزی نهفته بود که بعد از پنجاه سال همچنان تازگی دارد و همچنان مورد خشم و غضب سرمایه داران و فرصت طلبان جیره خوارش قرار دارد؟ پاسخ این سوال را رفیق غزال در سال ۵۳ در سروده ای آورده:

قرار دهیم، از غم توده ها غصه دار شویم و با شادبهایشان شور و شغف بیابیم، رفیقانمان به ما آموختند چگونه فقط به منافع و اهداف طبقه کارگر فکر و برای آن زندگی کنیم. این حلقه مفقوده ای است که چپ امروزی از آن محروم است و به همین دلیل هیچ دو نفری ما نمیشوند، چپ نمایشی امروزی عاجز و ناتوان از درک چنین مفاهیمی در نهایت دست به

"قسم خوردم بر تو من ای عشق ----- که جان بازم در رهت ای عشق"
 "نیرزد جان در رهی والا ----- که ناچیز است هدیه ای ای عشق"

بدرستی این راز ماندگاری سیاهکل است که رفقای ما پیشتر در ۱۹ بهمن ۴۹ با جانفشانی آن را رقم زدند، فدایی یک عشق جاودان است عشق به آرمان، عشق به طبقه کارگر، عشق به سوسیالیسم، عشق به رفیقان هم رزمش و تقدیم جانش در راه این عشق. این ویژگی تنها نکته ای است که نیم قرن ماندگاری و جاودانگی فدایی را رقم زده، در این پنجاه سال هر آنکس که «فدایی» نام گرفت این سروده ورد زبانش شد. چنین است آنان که به دنبال منافی برای خود و جریان خود و باند خود بودند و هستند هیچگاه نتوانسته اند چرایی این ماندگاری را درک کنند. فدایی همه مفاهیم انسانی را باز تعریف کرد و کمونیسم را با لحظه لحظه زندگی پیوند زد، ما از رفیقانمان آموختیم فدایی گونه و کمونیستی فکر کنیم، کمونیستی حرف بزنیم، کمونیستی زندگی کنیم، کمونیستی عشق بورزیم، اخلاقیات کمونیستی را سرلوحه اعمال روزمره خود

برای این چپ بازی خورده باندهای بورژوازی کمونیست نما، فدایی تا به ابد خار چشمان خواهد بود چرا که آموزه رفقای ما چگونه برای دیگران زندگی کردن و برای دیگران جان فشاندن بوده و هست، به قول رفیق صمد "مرگ هر لحظه ممکن است به سراغ من بیاید، مهم این است که زندگی و مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران دارد". ما به خود میبایم که رهرو چنان انسانهای والا و شریفی هستیم و هیچ گونه هراسی از هجمه چپ نماهای اپورتونیست به دل راه نمیدهیم چرا که در نبرد نهایی مشخص خواهد شد که بین دو صف انقلاب و ضد انقلاب هر فرد و جریانی به کدام صف تعلق دارد و به اصل خویش باز خواهد گشت. بیم و نگرانی ما از این است که پنجاه سال جانفشانی و صداقت و عشق کمونیستها و پیکار کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم بار دیگر به بار ننشیند و شاهد باشیم جنایتکاران و ددمنشان در رنگ و لباسی دیگر بر اریکه قدرت تکیه زنند و همچنان غارت و چپاول و فساد و جنایت هر گوشه این سرزمین را در بر گیرند، آنچنان که در بهمن ۵۷

دامن ایدئولوگ های بورژوازی شده و با در آمیختن تئوریهای منفعت طلبانه و نهلستی بورژوازی با پاره ای مقولات مارکسیستی ملغمه ای فراهم آورده تا با سنتی و عقب



« به گفتار افراد میبایست به میزان اعتبار کردارشان، بها داد.»
 رفیق حمید اشرف

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>

کار مسکن آزادی

رخداد و اینک بعد از ۴۲ سال در آستانه ۲۲ بهمن همچنان نظاره گر فقر و فلاکت و استبداد و خفقان و ددمنشی هستیم. بی هیچ تردیدی این بیم و نگرانی ما را در پیمودن راه رفیقانمان در خدمت به طبقه کارگر و تحقق سوسیالیسم راسختر و مصمم تر و خشم و کینمان را به بورژوازی و حاکمیت سیاسی آن فرونتر میکند. مسعود

مانده نامیدن دیگران محلی از اعراب برای خود فراهم آورد، این چپ که خود را چپ مدرن مینامد، فقط برای خود زندگی میکند و به منافع خود میانندیشد، به دنبال حض وافر بردن از لذایذ زندگی، فراتر از نوک بینی خود نمیبیند، برای این چپ زندگی خود مبارزه نیست بلکه مجموعه ای از سرفصلهاست که فعالیت سیاسی یک از این فصول است،



تاریخچه مختصر سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب و استقرار سوسیالیسم را وجهه همت خود قرار داده بود، انعکاس داشت. بطوریکه از همان بدو تاسیس هم گرایش‌های مختلف از جمله سوسیالیستی، کارگری و هم عموم خلقی و رفرمیستی در آن قابل تشخیص بود. مجموعه این گرایش‌های فکری که اغلب تعیین نیافته بودند، با عمده کردن مبارزه علیه رژیم شاه و حامیان امپریالیست آن با محوریت مبارزه مسلحانه متحد شده و به

مبارزه ادامه می‌دادند. اما روشن بود که با تشدید مبارزه طبقاتی این اتحاد نمیتوانست پایدار بماند و نماند. تشدید مبارزه توده ای در اواخر دهه پنجاه و قیام توده های مردم در سال پنجاه و هفت و تحولات متعاقب آن در ساختار فکری و سازمانی فدائی نیز تأثیر گذاشت و پایه های اتحاد اولیه راست گردید، و نگرش های مختلف بصورت انشعابات متعدد تبلور یافت. علاوه بر اختلافات و انشعابات ریز و درشت در این مقطع، اما در سال پنجاه نه بزرگترین انشعاب در سازمان تحت عنوان « اقلیت » و « اکثریت » بوقوع پیوست، بعد از آن نیز انشعابات در هر دو بخش جدا شده از هم تداوم یافت. در این مقطع در حالی که هزاران کارگر، زحمتکش و روشنفکر به امید تحقق خواسته هایشان و برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب به صفوف سازمان پیوسته و مبارزه عملی را در سطوح مختلف به پیش میبردند، اعضای تصمیم گیرنده در سازمان به عده ای اندک از رفقای محدود میشد که از سرکوبهای ساواک شاه جان سالم بدر برده بودند و یا به تازگی از زندانها آزاد شده بودند و کلا فاقد تجربه لازم و برنامه و استراتژی و تاکتیک مترتب بر آن بودند. توده های تشکیلات که عملاً درگیر مبارزه

فدائی خلق در شرایطی بوجود آمد و پای در عرصه مبارزه نهاد که ایران زیر سلطه دیکتاتوری خشن دستگاه سلطنت، در حال گذار از جامعه ای نیمه فئودالی به جامعه ای سرمایه داری بود. علاوه بر آن سرعت رفرمهای ارضی شاه در دهه چهل، هجوم خیل عظیم نیروی کار از روستاها به شهرها رادری داشت که با خود تمایلات دهقانی و افکار سستی را حمل میکردند و این خیل عظیم یا در کارخانجات نوبنیاد با ساعات کاری طولانی و دستمزد ناچیز استخدام میشدند و یا از طریق مشاغل مختلف کوچک و روزمزد در حاشیه شهرها سکونت گزیده و بسختی امرار معاش میکردند.

سطح پائین آگاهی و جوان بودن بخش بزرگی از طبقه کارگر، و خیل بیشمار حاشیه تولید به همراه اوضاع بین المللی و تأثیر آن بر شکل گیری افکار و نگرش روشنفکران انقلابی و مترقی، کلا شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه ای را پدید آورده بود. یک چنین وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی طبیعتاً در شکل گیری احزاب و سازمانهای سیاسی و مطالبات مردم و مبارزات روشنفکران جامعه و نیز افکار، عقاید، برنامه های سیاسی و روش های مبارزاتی آنان تأثیر میگذاشت. این وضعیت سیاسی و اجتماعی در سازمان ما نیز که

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در تاریخ بهمن ۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل متولد شد. فدائیان کمونیست قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ در کنار سایر رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم بر علیه نظام شاهنشاهی مبارزه کردند و با امید به پیروزی در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی بازی نمودند. بعد از شکست انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی، فدائیان کمونیست به همراه بخشی از مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه ها، دانشگاه ها، مدارس و روستاها که منافع خود را در تضاد با حاکمیت سرکوبگر جدید میدیدند، به تداوم انقلاب پای فشردند و در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران، دهقانان، زنان و سایر اقشار اجتماعی شرکت کردند.

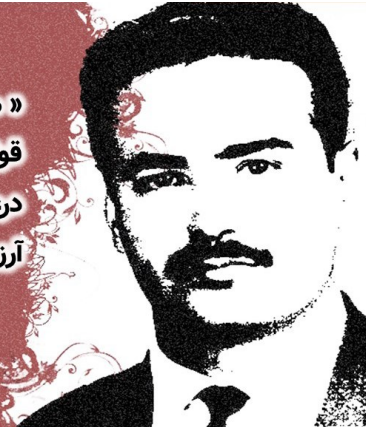
به موازات تحولات اجتماعی و اقتصادی و تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه، تغییر و تحولاتی در احزاب و سازمانهای سیاسی بوجود آمد. انعکاس در گرونیهای سیاسی درون جامعه در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز به شکلگیری گرایشهای مختلف سیاسی و انشعابات و انشقاقات متعدد انجامید. در اواخر دهه چهل، سازمان چریکهای

در مناطق مختلف کشور بوده و شاهد باز پس گیری دست آوردهای قیام توده ها توسط حاکمیت جدید و مماشات، سازش و بی برنامه گی رهبری فدائیان بودند روز به روز فشار به رهبری را افزایش داده و خواهان موضعی مشخص و انقلابی در قبال وقایع اتفاقیه بودند.

در چنین شرایطی اختلاف بر سر ماهیت طبقاتی رژیم جدید به محور اختلافات در رهبری سازمان تبدیل شد و بدون اینکه مبارزه ایدئولوژیک همه جانبه ای حول نظرات مطروحه صورت گیرد و توده های وسیع در جریان چگونگی این اختلافات قرار گرفته و در مبارزه نظری شرکت نمایند، انشعاب در بالا بر سر ماهیت حاکمیت جدید، رهبری و اعضا را به دور گروه اقلیت و اکثریت تقسیم کرد. اکثریت که راه سازش در پیش گرفت و از منافع طبقه کارگر و توده های مردم فاصله گرفت و به دفاع از حاکمیت جدید پرداخت. در این مقطع در ذهنیت توده های تشکیلات و آنهائیکه درگیر عملی مبارزه بودند، امید زیادی به اقلیت بمثابه جریان انقلابی پدید آمد. اما رهبری اقلیت که هنوز مرزبندی اصولی با انواع انحرافات مترتب بر سازمان نداشت و یک انشعاب مکانیکی را سازمان داده بود در عمل نتوانست موضع انقلابی در برابر حاکمیت را به یک موضع کارگری و کمونیستی ارتقا دهد و حتی مبارزه ایدئولوژیک علنی که در مقابل اکثریت از آن دفاع شده بود به فراموشی سپرده شد و جای خود را به سرکوب نظرات مخالف داد. بنابراین انحرافات پیش گفته شده این بار نیز در سبک کار و مناسبات درونی، برنامه، اساسنامه سیاست و تاکتیک و سازماندهی خود را نشان داد و رهبری اقلیت نه تنها در عرصه سیاسی چرخش اساسی از گرایشات

انحرافی گذشته به سمت یک موضع طبقاتی کارگری و کمونیستی نکرد، بلکه در عرصه تشکیلاتی و سازماندهی و ایجاد یک مناسبات حزبی نیز قادر نشد کامهای لازم را بردارد. تشدید سرکوبگری بی رحمانه رژیم نیز مزید بر علت شد تا مشکلات و موانع پیچیده تر و حل آنها مشکلتر شود. معضلاتی

انقلابی در تمامی عرصه های برنامه، اساسنامه، سبک کار معطوف به نوسازی سازمان، اما بعد از یک مدت نسبتاً طولانی تلاش و انتشار چندین شماره نشریه مشترک «به پیش» این گام نیز باسد و مانع تفکراتی که حاضر به بحث و نقد گذشته نبودند. متوقف شد. با شکست این تلاشها که



«مارکسیسم نه تنها شناخت دقیقاً علمی قوانین و پروسه های زندگی است بلکه درعین حال شورانقلابی، رویا و آرزوی بشریت معاصر ما است»

بیژن جزنی

«مارکسیسم انقلابی و مارکسیسم بورژوازی»

زنده یاد سوسیالیسم

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>

با تحولات شوروی و اروپای شرقی همزمان بود، بخشی از رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اتحاد فدائیان خلق پیوستند بعد از این تحولات کمونیستهای فدائی به این نتیجه رسیدند که در چهارچوب تشکیلاتهایی که حاصل انشعابات مکانیکی بوده و حامل انحرافات گشته هستند، نمیتوان مسئله نقد گذشته، نوسازی سازمان و تبدیل شدن به یک جریان کمونیستی و کارگری را متحقق ساخت. در این مقطع فدائیان کمونیست بدون اینکه به ندای جریانات و افرادی که خواهان برگزاری کنگره دوم و ادامه فعالیت با نام و به شیوه سابق بودند، پاسخ مثبت دهد، تصمیم گرفتند ضمن سازماندهی مبارزه مشترک و دخالت در مبارزه طبقاتی، پروسه نقد گذشته جنبش کمونیستی علی العموم و نقد گذشته سازمان علی الخصوص را بطور جدی و بدون در نظر گرفتن وارجاء به چهار چوب

که کنگره اول نیز از پاسخ اصولی به آنها بازماند و بعد از کنگره اختلافات بویژه با جریان سوسیالیستی و انقلابی تشدید شد و هم زمان سیاست تشدید سرکوب و ضربات متعدد رژیم این بحران را تشدید و پروسه تجزیه را تسریع نمود، که تا سال ۱۳۶۴ بصورت اختلافات و انشعابات چندی بروز یافت. در سال ۱۳۶۴ بزرگترین و دردناکترین انشعاب در چهارم بهمن رخ داد، بعد از این انشعاب نیز تجزیه و انشقاق تداوم یافت. بعد از شکل گیری هسته اقلیت و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران [اقلیت] مسئله وحدت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران [اقلیت] در دستور کار این سه جریان قرار گرفت. فدائیان کمونیست در این مقطع تلاش کردند تا این پروسه را نه در یک جهت مکانیکی بلکه در یک جهت اصولی هدایت کنند. یعنی از طریق نقد

های سیاسی و ایدئولوژیک سازمانی گذشته، در دستور اولیه برای تدوین مبانی برنامه ای و اساسنامه ای بگذارند. لذا از اواخر دهه شصت برگزاری سمینارهای وسیع در دستور قرار گرفت. این سمینارها با استقبال و مشارکت سایر افراد و جریانات مواجه شد و تحول مهمی را در عرصه تفکر و مناسبات بین نیروها بوجود آورد. ما از دامن زدن به این مباحث سه هدف را دنبال میگردیم که مبیایست از نقد گذشته و بررسی و تحلیل بحران جنبش کمونیستی در عرصه ایران و جهان حاصل میشود، هدف ما از یافتن پاسخ به این مسائل در وجه خاص آن نوسازی سازمان بر اساس تفکر مارکسیستی و وجه عام آن یافتن راه حل تفوق بر پراکندگی جنبش کمونیستی در راستای تحقق حزب طبقه کارگر که از اهداف اولیه سازمان بود و سوم تلاش در جهت وحدت افراد و نیروهائی که هدف خود را برقراری سوسیالیسم قرار داده بودند.

نتایج سمینارهای مختلف و نشست ها و مباحثات متعدد در وجه عام آن به تشکیل اتحاد هائی منجر شد که فدائیان کمونیست از مبتکران اولیه آنها بوده و هستند. امیدواریم با تلاش و کوشش و یک پارچه کردن همه تلاش کنندگان در این راه به نتایج مطلوبی دست یابیم. اما در عرصه خاص، یعنی نوسازی سازمان که از اواخر سال شصت به موازات برگزاری سمینارهای عمومی و جلسات فعالین و انتشار نشریه «به پیش» پیگیری میشد تا سال هفتاد و پنج مجموعاً ۹ نشست سراسری برگزار گردید در این دوره تمام نقد ما و جمعبندی های ما در وجه عام، در نشریات، جلسات و مذاکرات و مباحثات اتحاد ها و در وجه

کنگره دوم سازمان علاوه بر تصویب برنامه و اساسنامه جدید، با تحلیل و ارزیابی از اوضاع سیاسی، و سطح مبارزات جاری استراتژی و تاکتیک های دوره ای سازمان و نیز سیاست ما در باره اتحاد های طبقاتی را که قبلاً در نشریه «به پیش» انتشار علنی یافته بودند تصویب نمود. اکنون سازمان ما در سطح داخل و خارج از کشور، با اتکا به خط مشی روشن و مشخص که با جمعبندی نقاط ضعف و قدرت جنبش کمونیستی و تحلیل و ارزیابی از شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران و تحولات جهان، تدوین شده اند برای تحقق آرمان انسانی، آزادی و سوسیالیسم مبارزه می کند و در تلاش است تا بتدریج با شیوه ای اصولی و انقلابی بخش های ضربه خورده سازمان را نوسازی

خاص آن در نشریه «به پیش» در راه وحدت جنبش کمونیستی منتشر گردید. سرانجام نهمین نشست فدائیان کمونیست تصمیم گرفت تحت نام «سازمان اتحاد فدائیان کمونیست» به فعالیت خود تداوم بخشند. و از آن پس نشریه کار، تحت عنوان «کار کمونیستی» ارگان مرکزی سازمان و نشریه «به پیش» منعکس کننده نظرات و مباحثات تئوریک منتشر شوند. در این نشست ضمن تصویب حداقلی از چهارچوب های برنامه ای، کمیونی برای تهیه برنامه و اساسنامه جدید شکل گرفت و قبل از تشکیل کنگره اول پیش نویس آن تهیه و برای دخالتگری فعالین جنبش کمونیستی و کارگری انتشار علنی یافت. در کنگره اول مباحث مفصلی حول برنامه و



"رفقای ما نمونه کاملی از صداقت انقلابی بودند. رفقای ما به خاطر اعتقاداتشان بی مهابا هر خطری را تقبل می کردند و معمولاً به تنها چیزی که بها نمی دادند جانشان بود و همین بود که مفهوم "فدائی" در مورد آن ها نه بعنوان یک شعار بلکه به عنوان یک واقعیت مصداق پیدا می کرد" و با نگاهی انتقادی اضافه می کند که: "شاید هم پاکبازی تمام عیار رفقای ما یکی از اشکالات کار ما بوده باشد. در حقیقت باید گفت پاکبازی انقلابی به تنهایی برای پیشرفت کار کافی نیست، می بایست احتیاط انقلابی و دورنگری نیز داشت"

حمید اشرف
(جمعبندی سه ساله)

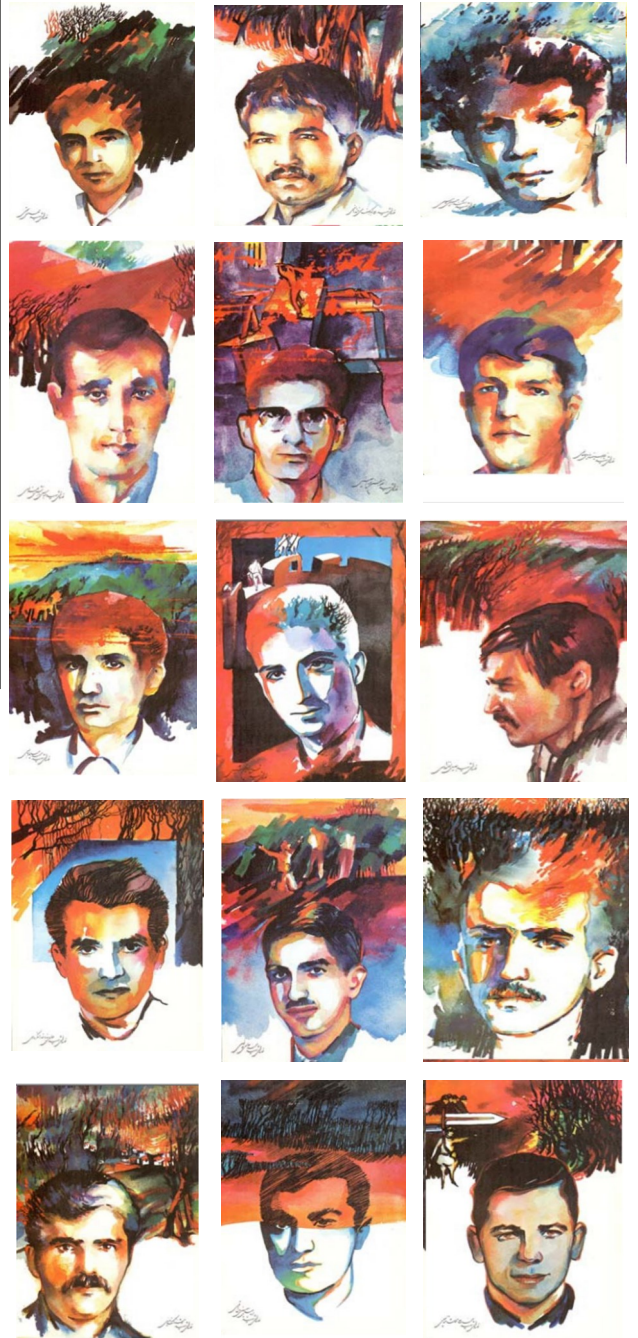
زنده باد سوسیالیسم

نوشته چریک فدایی خلق رفیق حمید اشرف - ۱۳۵۴
کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>

کرده و در این راه از همه رفقای فدائی و کمونیست و کارگران، زنان، جوانان پیشرو دعوت میکند به صفوف سازمان بپیوندند و آنرا در مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب و تبعیض و نابرابری، یاری رسانند.

اساسنامه جدید صورت گرفت. اما کنگره این مباحث را کافی ندانست و کمیون دیگری تعیین کرد تا ضمن اصلاح متون ارائه شده براساس نتایج مباحث کنگره، اسناد تکمیلی را بار دیگر در سطح جنبش منتشر کند و با جمع آوری نظرات و جمعبندی مباحث و تکمیل برنامه و اساسنامه، آنها را برای ارائه به کنگره دوم آماده نماید.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نتیجه سه دهه مبارزه طبقاتی و از دل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدید آمد و با نقد مواضع و انحرافات آن و با تغییر نام آن به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نهمین نشست خود در سال ۱۳۷۵ تداوم فعالیت خود را تحت نام، ارگان و مواضع جدید که از نقد گذشته و تحلیل شرایط حاضر بر می خاست آغاز نمود. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در عین حال تجلی وحدت بخشی از محافل و نیروهای کمونیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است.



**در کشوری که همه درهای
دموکراسی بسته می شود و همه
درهای آزادی مسدود می گردد.
اسلحه زبان به سخن می گشاید.
”بیژن جزنی“**

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت
علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق
خواسته های فوری شان یاری رسانید.

از طریق ایمیل زیر گزارشات، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده
خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف
انقلابی مان یاری رسانید.

Rah_sorkh@yahoo.com

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان

webmaster@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته کردستان

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!